

Islamic Foundations of Citizen Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran

Fateme Atarod¹, Mehdi Motaharnia², Mohamad Torabi³

¹ PhD., Student, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University; Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
atarodfateme57@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding author**). dmmotaharnia@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. Mtorabi1418@gmail.com

Abstract

Citizen diplomacy is a concept based on which every individual citizen has the right and responsibility to contribute to shaping their country's foreign relations, even "through a single handshake." Citizen diplomats participate as unofficial ambassadors in exchange programs abroad and establish person-to-person relationships; in other words, they create a network of human connections that later serve as the foundation for dialogue and official negotiations. In this regard, the present study aims to develop an Islamic model of citizen diplomacy within the domain of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. The research method employed is descriptive-analytical, and the research proposition asserts that given the precedence of public diplomacy in the Islamic world compared to the Western world (dating back to the early Islamic era and the governance of the Prophet Muhammad), it is possible to extract the capacities of citizen diplomacy from the foundations of Islam and propose an Islamic model for citizen diplomacy. This model consists of the principles of "unity, faith-based brotherhood, human brotherhood, peace and friendship, financial contributions, invitation (da'wah), honoring humanity, and reconciliation of hearts (ta'lif al-qulūb)."

Keywords: Public diplomacy, citizen diplomacy, foreign policy, Iran, peace.

مبانی اسلامی دیپلماسی شهروندی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

فاطمه عطار^۱، مهدی مطهرنیا^۲، محمد ترابی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی؛ جامعه المصطفی

العالمیه، قم، ایران. atarodfateme57@gmail.com

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

dmmotaharnia@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Mtorabi1418@gmail.com

چکیده

دیپلماسی شهروندی مفهومی است که براساس آن، هر شهروند به طور فردی حق و مسئولیت دارد که حتی فقط «با یک بار دست دادن»، به شکل‌دهی روابط خارجی کشورش کمک کند. دیپلمات‌های شهروندی به عنوان سفرای غیررسمی در برنامه‌های مبادله در خارج از کشور مشارکت می‌کنند، و روابط شخص با شخص را ایجاد می‌نمایند؛ به عبارتی، شبکه‌ای از پیوندهای انسانی ایجاد می‌کنند که بعدها به عنوان بستر گفت و شنود و مذاکرات رسمی عمل می‌نماید. در این راستا، هدف پژوهش حاضر، تدوین الگوی اسلامی دیپلماسی شهروندی در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و مدعای پژوهش این است که با توجه به تقدم پیشینه دیپلماسی عمومی در جهان اسلام نسبت به جهان غرب (دوران صدر اسلام و حکومت پیامبر اکرم) می‌توان با استخراج ظرفیت‌های دیپلماسی شهروندی از مبانی دین اسلام، الگویی اسلامی برای دیپلماسی شهروندی ارائه داد که عبارتند از: اصول «وحدت، برادری ایمانی، برادری انسانی، صلح و دوستی، اتفاق‌های مالی، دعوت، تکریم انسان و تألیف قلوب».

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی شهروندی، سیاست خارجی، ایران، صلح.

استاد به این مقاله: عطار، فاطمه؛ مطهرنیا، مهدی؛ ترابی، محمد (۱۴۰۳). مبانی اسلامی دیپلماسی شهروندی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۱(۴)، ص ۹۵-۱۱۲.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسنده‌گان.



۱. مقدمه

کشورهای امروزی، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ علاوه بر کسب قدرت نظامی، اقتصادی و پیشرفت‌های فناورانه تلاش می‌کنند تا برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود، سرمایه‌گذاری‌هایی در حوزه دیپلماسی عمومی (قدرت نرم) انجام دهند. دیپلماسی عمومی، ابزار قدرت نرم است که دولت‌ها از آن برای بسیج منابع برای ایجاد ارتباط و جذب توده سایر کشورها استفاده می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت تأثیرگذاری دیپلماسی عمومی، به شکل‌گیری قدرت نرم می‌انجامد. یکی از راهبردهای دیپلماسی عمومی، «دیپلماسی شهروندی» می‌باشد. با توجه به اینکه دیپلماسی شهروندی در فضای سیاست خارجی در عصر حاضر مبتنی بر اندیشه لیبرالیسم، طراحی و اجرا می‌شود، ضرورت ایجاد می‌کند که الگویی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای دیپلماسی شهروندی تدوین گردد. یکی از محدودیت‌های تحقیق حاضر این بود که پژوهش‌های اندکی در مورد دیپلماسی شهروندی صورت گرفته است. موضوع دیپلماسی شهروندی در ادبیات غربی نیز، از موضوعات نو می‌باشد. عدم ارائه الگوی اسلامی در عرصه دیپلماسی شهروندی و عدم عنایت به مبانی دینی دیپلماسی شهروندی، هم از حیث نظری و هم از حیث عملی، امری است که عرصه پژوهش از آن رنج می‌برد. در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا مبانی اسلامی دیپلماسی شهروندی برای حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه شود.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد نظر می‌پردازد. مسأله اصلی پژوهش این است که چگونه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در حوزه سیاست خارجی از ظرفیت‌های موجود در مبانی دینی، الگویی اسلامی برای تقویت دیپلماسی شهروندی ارائه دهد؟ مدعای پژوهش این است که، با توجه به تقدم پیشینه دیپلماسی عمومی در جهان اسلام نسبت به جهان غرب (دوران صدر اسلام و حکومت پیامبر اکرم (ص)) می‌توان با استخراج ظرفیت‌های دیپلماسی شهروندی از مبانی دین اسلام، الگویی اسلامی برای دیپلماسی شهروندی ارائه داد که عبارتند از: اصول «وحدت، برادری ایمانی، برادری انسانی، صلح و دوستی، انفاق‌های مالی، دعوت، تکریم انسان و تألیف قلوب». ایران برای تسخیر قلوب و اذهان جهانیان، باید با الگوی اسلامی دیپلماسی شهروندی، تلاش کند تا ارزش‌های جهانی اسلام و ایران را به جهان عرضه نماید.

۲. دیپلماسی شهروندی

۲-۱. دیپلماسی و دیپلماسی عمومی

دیپلماسی را اینگونه تعریف می‌کنند: هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین‌المللی و

حل و فصل اختلافات بین‌المللی و از شیوه‌های مسالمت‌آمیز محسوب می‌شود. دیپلماسی را می‌توان دانش ارتباط میان سیاست‌مداران و سران کشورهای جهان دانست (طلوعی، ۱۳۸۵، ص ۴۷۱). امروزه چهار نوع دیپلماسی از سوی کشورهای جهان به‌کار گرفته می‌شود که عبارتند از: دیپلماسی پنهان، دیپلماسی آشکار، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی خط دو (هادیان و احدی، ۱۳۸۸، ص ۸۹). دیپلماسی مورد نظر در این پژوهش، «دیپلماسی عمومی» است. عمر دیپلماسی عمومی به بلندای تاریخ بشریت است؛ اما واژه «دیپلماسی عمومی» از حیث مفهومی و تئوری‌پردازی به نیمه دوم قرن بیستم می‌رسد. دیپلماسی عمومی، اولین بار در سال ۱۹۶۵م. در آمریکا توسط الموند گولینون^۱، رئیس مدرسه حقوق و دیپلماسی در دانشگاه تافتز به‌کار گرفته شد و عبارت بود از ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی. با این تعریف، مسائلی از قبیل اعزام دانشجویان به خارج، پذیرش بورس‌های تحصیلی، خبرنگاران اعزامی، فرآیند ارتباط میان‌فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری، همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی و غیره در حوزه دیپلماسی عمومی می‌گنجد (واعظی، ۱۳۸۹، ص ۲۸). دیپلماسی عمومی شامل دیپلماسی رسانه، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی ورزشی، دیپلماسی عمومی نظامی، دیپلماسی گردشگری، دیپلماسی هنر و دیپلماسی شهروندی می‌باشد. تمرکز پژوهش حاضر بر مفهوم «دیپلماسی شهروندی» است.

۲-۲. دیپلماسی شهروندی

امروزه، بسیاری بر این عقیده‌اند که بازیگران غیردولتی از جمله شهروندان، ابزاری مناسب در حکمرانی جهانی مطلوب هستند. «مرکز دیپلماسی شهروندی آمریکا» معتقد است هر شهروند در جهان، حق و وظیفه دارد تا در میان فرهنگ‌های مختلف وارد شود و با ایجاد ارتباطات فردی، فهمی مشترك از مسائل به وجود آورد. دنیای پیچیده امروز در عرصه بین‌المللی، راه را برای ورود بازیگرانی به غیر از دولت‌ها باز کرده و دیپلماسی را از انحصار دولت‌ها خارج ساخته است. در نتیجه این امر، «بحث تأثیر بازیگران غیردولتی بر روابط بین‌الملل جدی شده است و بسیاری، نقش بازیگرانی همچون شهروندان را در دیپلماسی پذیرفته‌اند. امروزه بسیاری بر این عقیده‌اند که شهروندان، قادر به ارائه تصویر ملی و به عبارت دیگر، اعمال دیپلماسی عمومی هستند. این فرآیند را «دیپلماسی شهروندی» می‌خوانند» (شمس‌آبادی، ۱۳۹۷). دیپلماسی شهروندی مفهومی است که براساس آن، هر شهروند به‌طور فردی حق و مسئولیت دارد که «حتی فقط با یک‌بار دست دادن» به شکل‌دهی به

روابط خارجی کشورش کمک کند. دیپلمات‌های شهروندی به عنوان سفرای غیررسمی در برنامه‌های مبادله در خارج از کشور مشارکت می‌کنند، روابط شخص با شخص را ایجاد کرده و به عبارتی شبکه‌ای از پیوندهای انسانی ایجاد می‌کنند؛ که بعدها به عنوان بستر گفت‌و شنود و مذاکرات رسمی عمل می‌کند. از آنجا که هزینه این برنامه‌های مبادله از طریق بودجه دولت‌ها تأمین می‌شود، دیپلماسی شهروندی یکی از مؤلفه‌های بنیادی دیپلماسی عمومی به شمار می‌آید (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰).

در دیپلماسی شهروندی که زیرشاخه‌ای از دیپلماسی عمومی است؛ عنوان شده «ایجاد جذابیت» با تکیه بر «شهروندان» انجام می‌گیرد. در دیپلماسی شهروندی، ارتباطات بین‌المللی بر تصویر ملی کشورها تأثیر می‌گذارد. در تاریخ دیپلماسی شهروندی، نمونه‌هایی وجود دارد که تغییر افکار عمومی شهروندانی را که دشمن یکدیگر بوده‌اند، نشان می‌دهد. یکی از این نمونه‌ها، طرح «استماع دلسوزانه» بوده که از سوی اتحادیه اروپا انجام شد. طی این طرح، شهروندان اروپایی به عنوان میانجی، زمینه گفت‌وگو و مصالح و تغییر ذهنیت تعدادی از شهروندان اسرائیلی و فلسطینی نسبت به یکدیگر را فراهم کردند (Shemesh, 2012, p. 83؛ به نقل از: شمس‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۹۴). در این طرح، شهروندان کشورهای اروپایی با حمایت اتحادیه اروپا، برای برقراری ارتباط میان دو طرف، که دچار اختلافات هویتی و حاد هستند، برای میانجی‌گری فرستاده شدند (Biklen, 2005, p. 12؛ به نقل از: شمس‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۴). در موردی دیگر، از دیپلماسی شهروندی برای رفع اختلافات بر سر قبرس استفاده شد. بر اثر اختلافات میان ترکیه و قبرس، این جزیره به دو قسمت تقسیم شده بود؛ ولی در نهایت، شهروندان با ممارست و ارتباط مستمر با یکدیگر در دو سوی مرزهای مصنوعی، توانستند فشار سیاسی لازم جهت حل اختلافات را وارد کنند. در نتیجه این امر، خط مرزی به کلی برداشته شد (Donald, 2007, p. 11؛ به نقل از: شمس‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۹۵). تجربه‌هایی از این دست، نشان‌دهنده غالب بودن جنبه صلح‌طلبی در دیپلماسی شهروندی است (ملت‌ها با هم نمی‌جنگند) و بر همین اساس است که اختلافات بسیاری میان دولت‌ها، با گسترش ارتباطات میان شهروندان آنها، به ناچار حل شده است.

دیپلماسی شهروندی را باید از دو منظر نگاه کرد. در امریکا بسیاری از دیپلمات‌های شهروندی، با برنامه‌های مبادله همکاری می‌کنند. برنامه‌های مبادله، شرکت‌کنندگان را قادر می‌سازند در تلاش‌های بسیار مهمی مشارکت نمایند؛ تا بتوانند به نمایندگی از آمریکایی‌ها روابط سازنده‌ای را با مردم سراسر جهان بنا نهند. دیپلماسی شهروندی، بُعد دیگری نیز دارد که در حال حاضر، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. آن بُعد، این ایده است که یکایک شهروندان باید خود را یک دیپلمات شهروندی تصور کنند. بسیاری از رهبران به این نتیجه رسیده‌اند که این آگاهی، باید در همه

شهروندان ایالات متحده تقویت شود. شما، چه دانشجویی باشید که در يك دانش‌پژوه خارجی در کلاس درس دانشگاه می‌نشینید، چه ورزشکاری که در خارج از امریکا رقابت می‌کند، چه مقام دولتی منتخبی که از هم‌تایان خارجی خود استقبال می‌کند، چه ستاره موسیقی راك که در کشور دیگری برنامه اجرا می‌کند، و چه نماینده يك بنگاه تجاری که در خارج از امریکا فعالیت می‌کند، دیپلمات شهروندی هستید. اقدامات شما، احترام و دلبستگی خارجی‌ها به ایالات متحده را کاهش یا افزایش می‌دهد. شما به‌عنوان يك امریکایی، وظیفه دارید تمام تلاش خود را در خدمت به امریکا به کار بندید. این همان پیامی است که رهبران سازمان‌های مبادله بین‌المللی، که ائتلاف دیپلماسی شهروندی را در سال ۲۰۰۴م. تأسیس کردند، می‌خواستند القاء کنند^۱ (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۸).

امروزه، غربیان با درک درست از مفهوم دیپلماسی شهروندی به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در حوزه دیپلماسی شهروندی مبادرت کرده‌اند. حال آنکه، تقدم دیپلماسی عمومی و دیپلماسی شهروندی به دوران صدر اسلام، یعنی دوران حکومت رسول‌الله(ص) می‌رسد. دیپلماسی شهروندی، نه‌تنها جنبه مغفول در دیپلماسی عمومی ایران است؛ بلکه جنبه تاریک دیپلماسی عمومی در ایران است. در آثار انگشت‌شمار مربوط به دیپلماسی عمومی در ایران، اشاره چندانی به دیپلماسی شهروندی نشده است. آسیب‌شناسی دیپلماسی شهروندی در ایران، از دو حیث مورد تأمل می‌باشد. نخست، از حیث آگاهی مردمی؛ دوم، از حیث سیاست‌گذاری‌های هیأت حاکمه. سطح آگاهی مردم ایران از دیپلماسی شهروندی اندک است. در دروس دبیرستان، در رشته علوم انسانی تنها يك کتاب درباره مطالعات فرهنگی تدریس می‌شود که تنها در يك صفحه از آن به دیپلماسی فرهنگی و نقش شهروندان در صیانت از فرهنگ اشاره می‌شود؛ که بسیار ناقص و ناکافی می‌باشد. در طی چهار دهه پس از انقلاب، هیچ تلاشی برای ارتقای سطح آگاهی و شناخت مردم نسبت به دیپلماسی شهروندی نشده است. همچنین در سطح دولتی و حکومتی، سیاست‌گذاری‌های کلانی در حوزه دیپلماسی

۱. کالین پاول، وزیر سابق خارجه امریکا درباره دیپلماسی شهروندی اظهار می‌کند: ... وقتی شما درب منازلتان را می‌گشایید، وقتی شما جوامع‌تان را می‌گشایید، وقتی شما قلب‌هایتان را به روی دیدارکنندگانی از سراسر جهان می‌گشایید، شما فرصت دیدن آمریکا را در بهترین حالتی که هستید، به مهمانان‌تان می‌دهید، تا گرمای محبت ما و پشتوانه تنوع در ملت ما را مشاهده کنند ... شما نه‌تنها دیدارکنندگان را با آنچه در قلب‌های آمریکایی‌ها و در اذهان ما است، آشنا می‌سازید، بلکه اعضای هر يك از «گروه‌های اجتماعی داخل امریکا» را از امیدها، ترس‌ها و رویاهای دیدارکنندگان، مطلع می‌سازید. شما به عنوان دیپلمات‌های شهروندی، با مستقیم‌ترین شیوه ممکن، موضوعات جهانی را به گوش مردم امریکا می‌رسانید (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۲).

شهروندی تدوین نشده است. با توجه به اینکه دیپلماسی شهروندی در فضای سیاست خارجی در عصر حاضر، مبتنی بر اندیشه لیبرالیسم طراحی و اجرا می‌شود؛ ضرورت ایجاب می‌کند که الگوی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای دیپلماسی شهروندی تدوین گردد.

۳. الگوی اسلامی دیپلماسی شهروندی

اکنون در قرن بیست و یکم، دیگر ساختارهای سنتی قدرت مانند دولت‌ها، شرکت‌های بزرگ و خصوصی، مدارس و نظایر آن نمی‌توانند همه مسائل زندگی شهری را حل و فصل کنند و بدون مشارکت فعال خود شهروندان، امکان حل و فصل مسائل وجود ندارد؛ زیرا شواهد نشانگر آن است که دولت‌ها در حل و فصل تمام مسائل مردم در شهرها، ناکام مانده‌اند و کارایی لازم را ندارند (غفاری‌نسب، ۱۳۹۱). «شهروندی»، پویاترین مفهوم اجتماعی جامعه مدرن تلقی شده است. «شهروندی»، توانایی افراد را برای قضاوت درباره زندگی‌شان تأیید می‌کند. بنابراین، ویژگی اساسی شهروندی، وجود اخلاق مشارکت است. شهروندی، یک موقعیت فعال است که علاوه بر حقوق، بر وظایف و تعهدات نیز دلالت دارد. بنابراین، «شهروندی»، یک مبنای عالی برای اداره امور انسانی به‌شمار می‌رود. «شهروندی» به مدد مجموعه حقوق، وظایف و تعهداتش، راهی را برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌دهد. شهروندی فعال، در پی توانمندسازی افراد و اجتماعات است و فرآیند مشارکت را امری ذاتاً ارزشمند تلقی می‌کند (غفاری‌نسب، ۱۳۹۱).

پژوهش حاضر معتقد است که دو نکته در دیپلماسی شهروندی باید لحاظ شود؛ نخست، خودباوری فرهنگی و دوم، ضرورت تبادل فرهنگی. نخست آنکه، خودباوری فرهنگی از مهم‌ترین اصول و ارکان دیپلماسی شهروندی می‌باشد. «خودباوری فرهنگی که به معنای باور به اصالت، غنا، توانایی و کارایی فرهنگ خودی است، زمینه رشد فرهنگ خودی را فراهم می‌کند. اسلام برای تقویت حس فرهنگ خودی در مردم، هم فرهنگ خودی را برترین فرهنگ‌ها معرفی کرده است: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»، و هم شائبه هرگونه برتری دیگر فرهنگ‌ها را بر فرهنگ اسلامی نفی می‌کند: «لاشرف اعلی من الاسلام» (ایروانی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۹). از سوی دیگر، خودباوری فرهنگی نباید منجر به انزوای فرهنگی شود. لذا، ضرورت تبادل فرهنگی می‌طلبد «دیگران را نیز در برخورداری از فرهنگ سهیم بدانیم؛ بازدارنده‌های پیشرفت و اعتلای فرهنگی را از میان برداشته، بر خوان گسترده فرهنگ‌ها بنشینیم تا از گوناگونی فرآورده‌های فرهنگی و تجربیات بشری، بهره‌مند گردیم و دیگران را نیز بهره‌ای رسانیم» (ایروانی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۳). «لازمه انسان بودن، زیستن با دیگر انسان‌ها، با هر فرهنگ و ملیتی است. برخورد ناشایست با دیگران - به جای داد و ستد

فرهنگی - بازتابی شدیدتر دارد. در قرآن کریم، رفتار نادرست با کسانی که غیر خدا را می‌پرستند، چنین توصیف شده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدَوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ...»^۱. آنچه سبب تنش‌های فرهنگی و درگیری است، دل‌بستگی به قالب‌های کهن و حاضر نشدن به تعاون و گفت‌وگوی عقلانی است. کار انبیاء، قالب‌شکنی، ساختارشکنی و بنیاد نهادن ساختارهای نوین و ارزش‌های متعالی بوده است. برای نمونه، حضرت ابراهیم (ع)، اصل پرستش را درهم نشکست؛ بلکه قالب و ساختار آن را درهم کوبید و یا موسی (ع)، قالب‌ها، ساختارها و آیین‌های پیشینیان را که مورد استناد فرعون بود، نابود ساخت. لذا، دادوستد فرهنگی یک ضرورت است (ایروانی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۴). تربیت شهروند مطلوب ناظر به شهروند دیپلمات، باید در دستور کار سیاست خارجه ایران قرار گیرد. در این پژوهش تلاش می‌شود تا یک الگوی اسلامی برای دیپلماسی شهروندی ارائه شود. بدون تردید، دین اسلام برای زیست جمعی انسان‌ها، بر مبنای گزاره‌های اخلاقی و فقهی، الگوهایی داشته و دارد. بنابر پژوهش حاضر، آموزه‌های دینی که می‌تواند الگوساز دیپلماسی شهروندی باشد، عبارتند از هشت اصل «وحدت، برادری ایمانی، برادری انسانی، صلح و دوستی، انفاق‌های مالی، دعوت، تکریم انسان و تألیف قلوب». عمل به اصول مذهبی و آموزه‌های دینی توسط شهروندان ایران، از عواملی است که منجر به تصویرسازی مثبت از ایران در جهان، به‌ویژه جهان اسلام خواهد شد.

۳-۱. اصل وحدت

نگاهی به احکام اسلام و متن شریف قرآن کریم، ما را به این امر رهنمون می‌سازد که ابعاد اجتماعی دین اسلام با اهمیت و ضرورت بیشتری تبیین شده است. یکی از اصول و ارزش‌های متعالی اسلام در روابط اجتماعی، تأکید بر وحدت میان مسلمانان و دوری از تفرقه و اختلاف می‌باشد. دین اسلام، مهم‌ترین احکام خود از قبیل نماز، جهاد، انفاق، حج و... را به صورت اجتماعی قرار داده و از حکومت اسلامی خواسته است تا حافظ شعائر دینی و حدود آن باشد و نهاد امر به معروف و نهی از منکر را برای تحقق این امور بنا نهاد. لذا، کسانی که درصدد برهم زدن وحدت اجتماعی هستند، در قرآن مورد تهدید واقع شده‌اند. خداوند در سوره احزاب (آیات ۶۲-۶۰) می‌فرماید: «لَنْ يَنْتَهِيَ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا، مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخَذُوا وَقَتْلُوا تَقْتِيلًا». در آیه فوق، سه گروه تهدید شده‌اند:

۱. «و آن‌هایی را که جز خدا را می‌خوانند، دشنام بدهید که آنان از روی دشمنی و به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد» (انعام، ۱۰۸).

منافقانی که با ظاهری مسلمان و باطنی کافر، سعی دارند در میان مسلمانان، تفرقه ایجاد کنند. دوم، مسلمانان سست‌ایمانی که با انحراف عقیدتی سیاسی، با اهل نفاق هم‌مرام شده‌اند. سوم، کسانی که با انتشار اخبار دروغ و ایجاد رعب و وحشت در میان جامعه تلاش می‌کنند، اجتماعات اسلامی را متفرق و نظام اسلامی را مختل سازند. خداوند سوگند می‌خورد که اگر این سه گروه، از فتنه‌انگیزی و تفرقه‌افکنی در جامعه دست بر ندارند، خداوند، پیامبر اکرم (ص) را علیه آنها شورانده و مسلمانان را بر آنها مسلط خواهد کرد، به‌گونه‌ای که نتوانند در جامعه مسلمانان توقف نموده، زیست و معاشرت نمایند. خداوند دستور دستگیری و قتل آنها را صادر نموده؛ تا از فساد و تفرقه در اجتماعات اسلامی جلوگیری شود. این سنت و روش الهی نسبت به امت‌های گذشته نیز بوده و اختصاص به امت اسلام ندارد (ترابی شهرضایی، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

بنابر آیه اعتصام، خداوند در سوره آل عمران می‌فرماید: «همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت) چنگ بزنید و پراکنده نشوید و نعمت بزرگ خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید» (آل عمران، ۱۰۳). خداوند، دشمنی و تفرقه را به پرتگاه آتش تشبیه کرده و می‌فرماید: «شما بر لبه پرتگاه آتش بودید، او شما را از آن پرتگاه نجات داد» (ترابی شهرضایی، ۱۳۹۷، ص ۳۰). این آیه، همه مسلمانان را به‌صورت یک حکم عمومی به وحدت دعوت می‌کند. «شرایط امروز جهان اسلام و گوناگونی اندیشه‌های سیاسی مسلمین اقتضاء می‌کند که از درگیری و چالش‌های سیاسی-مذهبی در بین گروه‌های اسلامی باید فروکاهید و تفکر مکتب اهل البیت (ع) را گسترش داد» (حسینی جبلی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۰). دیپلماسی شهروندی، تلاشی است که یک جامعه می‌تواند برای پیشرفت ارتباطی خود با سایر جوامع انجام دهد. برتری‌های نژادی، قومیتی و مذهبی به ایجاد شکاف‌هایی می‌انجامد که مَحَلّ دیپلماسی شهروندی در جهان می‌باشد. یاری طلبیدن از دیپلماسی شهروندی می‌تواند در ایجاد وحدت و همگرایی در امت اسلامی مؤثر واقع شود و به حل معضلات جهان اسلام یاری رساند.

۳-۲. اصل برادری ایمانی

اصل برادری ایمانی به‌عنوان مفهوم «اخوت»، پایه اصلی جامعه‌شناسی دینی است و پیامبر (ص) با اصل «برادری ایمانی» جامعه مدنی را شکل داد و ساخت. آیه ۱۰ سوره حجرات را آیه اخوت نامیده‌اند. ژرف‌ترین و استوارترین پیوندها، پیوند برادری ایمانی است. حکم الهی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» بر وحدت و یگانگی عمومی امت اسلام، تأکید عملی دارد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۷، در: فقیهی مقدس و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶). همچنین در نگاه امام خمینی، «اخوت» علاوه بر

حکم اخلاقی، یک حکم اجتماعی و سیاسی است (سرپرست سادات و صالحی حاجی‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۸۶). برآیند اصل برادری، شامل گسترش ارتباطات و بهبودی روابط، ایجاد اعتماد و انسجام، اخلاق حسنه، نشر ارزش‌ها و هنجارهای دینی و انسانی می‌باشد. در «اصل برادری ایمانی»، پتانسیل عظیمی برای تولید قدرت نرم و در نتیجه، تقویت دیپلماسی شهروندی در جهان اسلام نهفته است.

۳-۳. اصل برادری انسانی

بنابر اصل «برادری انسانی»، برادری از «انسان بودن» آغاز می‌شود. برادری، اصلی حقوقی و اساسی‌ترین رابطه‌سازنده و مهربانانه میان انسان‌ها است. برای تحقق برادری، صرف انسان بودن کافی است و نیازمند هیچ اضافه دیگری نیست. قرآن کریم، امر برادری انسانی را ۱۲ بار مطرح کرده است. به عنوان نمونه در آیه ۶۵ سوره اعراف می‌فرماید: «وَالْيَٰ عَادِ أَخَاهُم هُودًا» (ما به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم). در آیات ۷۳ و ۸۵ سوره اعراف همین رفتار در مورد جناب صالح و شعیب، و در آیات ۱۰۶ و ۱۶۱ سوره شعراء نسبت به حضرت نوح و حضرت لوط تکرار شده است. همچنین امام صادق (ع)، دانشگاهی برای انسان‌ها بنیان‌گذاری کردند که دانشجویان آن از همه اقوام و نحل‌های فکری حتی ماتریالیست و افراد بی‌ایمان به خدا بودند. بنابراین، اختلاف در باورهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حتی دینی و مذهبی و هرچیز دیگر نباید مانع این پدیده الهی، یعنی برادری باشد (علیدوست، ۱۳۹۸). طبق قاعده برادری انسانی، مردم هر کشوری باید بتوانند به نمایندگی از کشور خود روابط سازنده‌ای با مردم سراسر جهان برقرار نمایند. این آگاهی باید در همه شهروندان ایرانی تقویت شود. این اصل، تنها به جهان اسلام اختصاص ندارد و شامل همه بشریت خواهد شد.

۳-۴. اصل صلح، آشتی و دوستی

یکی از مبانی دیپلماسی شهروندی، قاعده «صلح، آشتی و دوستی» می‌باشد. قرآن کریم در یک فراخوان عمومی، مسلمانان و مؤمنان را به صلح و سلم فرا می‌خواند. خداوند در آیه ۱ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (میان برادرانی که با هم ستیزه دارند، آشتی دهید). همچنین در آیه ۱۰ سوره حجرات می‌فرماید: «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...» (میان دو برادر خود صلح برقرار سازید). آیه ۲۰۸ سوره بقره نیز درباره اهمیت صلح و آشتی می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، که او دشمن آشکار شماست).

۳-۵. قاعده انفاق‌های مالی

از دیدگاه قرآن و روایات، هدف از انفاق، تنها رفع نیازمندی تهی‌دستان نیست؛ بلکه تعالی و تکامل انفاق‌کننده نیز مورد نظر می‌باشد (ایروانی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۹۳). علامه طباطبایی، در تفسیر آیات انفاق، انفاق را جزء حق‌الله و حق‌الناس می‌داند. او دلایل اصلی تأکید بر انفاق را تعدیل ثروت‌ها، کم کردن فاصله طبقاتی و ایجاد برادری در میان مسلمین می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۸۴). قاعده انفاق پس از توجه به خویشاوندان، ناظر به عموم مردم است. یکی از آفاتی که گریبان‌گیر انفاق‌های مسلمین می‌شود، رویکرد ناسیونالیستی در پرداخت کمک‌های مالی به نیازمندان می‌باشد. قاعده انفاق اگر ناظر به همه انسان‌ها باشد، می‌تواند در تسخیر اذهان و قلوب انسان‌ها مؤثر باشد. انفاق‌های مالی شامل صدقه، وقف، اطعام، فطریه، زکات، خمس و کمک‌های بشردوستانه در حوادثی نظیر سیل، زلزله، جنگ و... می‌باشد. بنابراین، یکی دیگر از مبانی دیپلماسی شهروندی که نقش مهمی در ایجاد محبت، ارتباط و تسخیر قلوب افراد دارد، «قاعده انفاق» است.

۳-۶. اصل دعوت

بنابر اصل «دعوت»، خداوند در آیه ۱۲۵ سوره نحل می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ صَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله نما، در حقیقت پروردگار تو به کسی که از راه او منحرف شده دانتر و او به حال راه‌یافتگان دانتر است). در آیه دعوت، پیامبر اکرم (ص) از سه راه حکمت، موعظه نیکو و جدال نیکو (مناظره)، مأمور ابلاغ پیام خداوند می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۶۰۵). روش مجادله، ویژه افراد لجوج و متکبر می‌باشد و روش حکمت و موعظه نیکو برای انسان‌های با فطرت سالم است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ص ۵۳۳). پیامبر (ص) در دوران دعوت پنهانی به مذاکره با افراد عادی، نخبگان و افراد با نفوذ می‌پرداخت و آنها را به اسلام دعوت می‌کرد (جعفریان، ۱۳۶۷، ص ۶۸، به نقل از: اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۸۸، ص ۱۶). اصل دعوت، یک ابزار فرهنگی است که می‌تواند در راستای تقویت دیپلماسی شهروندی، تأمین‌کننده اهداف سیاسی، فرهنگی و تبلیغاتی باشد.

۳-۷. اصل تکریم انسان

کرامت انسان، عطیه‌ای الهی است و از آن جهت که ذاتی و جزء هویت انسان است، سلب آن ممکن نیست. بنابر آیه کرامت، خداوند در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: «ما بَنَى آدَمَ رَأْسًا وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ سُلْطَةً عَلَى أَحَدٍ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (ما بنی آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را بر صحرا و دریا مسلط کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری دادیم). خداوند متعال با بیان احکام مختلف اخلاقی، از مقام کرامت انسان حراست نموده و به بندگان

خویش نیز دستور می‌دهد که مبدا برخلاف شأن و کرامت خود و دیگر انسان‌ها عملی انجام دهند. امر به احسان و نیکوکاری، خیر دیگران را با خیر بیشتری تلافی کردن و شرّ آنان را با شرّ کمتری مجازات کردن؛ مایه اصلاح جامعه، گردش ثروت و تأمین امنیت عمومی در سطح اجتماع است و امور دیگر که به آن توصیه شده است، مانند اجتناب از تکبر و پرهیز از تحقیر مردم در احوال و اقوال، لزوم وفای به عهد و پیمان، دوری جستن از ستم و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران، از جمله فرمان‌های الهی است که مبتنی بر شرافت عمومی ذات انسان می‌باشد و تمام انسان‌ها با هر رنگ، نژاد، جنس، اعتقاد و طرز نگرش را شامل می‌شود (ارژنگ و دهقان سیمکانی، ۱۳۹۴، ص ۳۹).

۳-۸. اصل تألیف قلوب

تألیف قلوب، به معنای حمایت اقتصادی از گروهی از کفار، منافقین یا مسلمانان ضعیف‌الایمان با هدف همراهی و دفاع آن‌ها از اسلام توسط پیامبر (ص)، امام معصوم (ع) یا حاکم اسلامی انجام می‌شود. تألیف قلوب یکی از مصادیق زکات می‌باشد. یکی از راه‌های مسالمت‌آمیز برای دعوت به اسلام، در کنار کارهای فرهنگی، کمک‌های اقتصادی است و تا زمانی که از این طریق -که هزینه‌های کمتری نسبت به جهاد دارد- امکان جذب کفار به دین اسلام باشد، نوبت به جهاد نظامی نمی‌رسد. در برخی کشورها، بودجه‌ای به نام بودجه دفاعی و امنیتی وجود دارد که به جای تهیه تسلیحات نظامی، به برخی کشورها کمک‌های اقتصادی می‌کنند؛ تا در این کشورها نفوذ کنند. بدین جهت، علاوه بر اینکه از ناحیه این کشورها مورد تعرض قرار نمی‌گیرند، بسیاری از منافع آنها در منطقه، توسط دولتی که کمک دریافت می‌کند، تأمین می‌شود (ارجینی، ۱۳۸۵، ص ۳۷). در تاریخ صدر اسلام، پیامبر اکرم (ص) از قاعده «تألیف قلوب» برای نفوذ بر اذهان و قلوب استفاده کرد؛ تا به اهداف سیاسی و فرهنگی خود برسد. در این قاعده، برای رسیدن به اهداف عالیه از ابزار مادی استفاده می‌شود. یکی از راهبردهای تأثیرگذار در دیپلماسی شهروندی، قاعده تألیف قلوب است که باید مورد توجه دستگاه سیاست خارجی ایران قرار بگیرد. امروزه در کشورهای غربی نیز، از ابزارهای مادی و اقتصادی برای تقویت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی شهروندی استفاده می‌شود.

۴. راهکارهای تقویت دیپلماسی شهروندی

۴-۱. تقویت مهارت‌های گفتاری

انسان‌ها برای تکامل نیاز به ارتباطات اجتماعی و تعامل با انسان‌ها دارند. از سوی دیگر، در دنیای امروز، ارتباطات، حرف اول را می‌زند. برقراری ارتباط موفق و مؤثر، به مهارت‌های گفتاری بستگی دارد. قرآن کریم، راز موفقیت شگفت‌انگیز رسول گرامی در جذب افراد را، قلب مهربان او می‌داند که

در سیره و سخن وی، نمود یافته بود (آل عمران، ۱۵۹). آموزش مهارت‌های گفتاری به شهروندان ایرانی، باید در سیاست‌گذاری‌های کلان دستگاه سیاست خارجه لحاظ شود. زمانی شهروندان به‌عنوان دیپلمات‌های فرهنگی کشورشان، در جذب قلوب موفق خواهند بود که دارای مهارت‌های گفتاری باشند. بر طبق آموزه‌های دینی، مهم‌ترین عوامل برقراری ارتباط گفتاری مؤثر عبارتند از: ادب و احترام متقابل، چهره‌باز و تبسم، مثبت‌نگری، اعتمادآفرینی، رازداری، عدم خشونت در گفتار، اولویت‌شناسی در سخن، توجه به سطح فهم و نیاز مخاطب، هنر خوب گوش‌دادن، بهره‌گیری از نشانه‌های غیرکلامی، شیوایی و رسایی، سلامت و عفت کلام، نرمی و ملایمت در عین قاطعیت و شفافیت، سنجیدگی و استواری (ایروانی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۶۷-۴۴۹)، رعایت زبان بدن، کمک کردن به فرد مقابل، صداقت در سخن و رفتار، پرهیز از سرزنش، قضاوت و نصیحت، آرامش روحی، سعه صدر و صبوری، «زبان‌شناسی مخاطب، اولویت‌شناسی، رسایی کلام، متانت پیام، بیان زیبا و هنرمندانه» (ایروانی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۸).

۴-۲. آداب اخلاقی

یکی از مهم‌ترین آدابی که الگوساز است، آداب اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های دینی است. طبق آیه ۶۷ سوره زخرف، «رعایت تقوا در معاشرت‌ها و دوستی‌ها»، مهم‌ترین معیار قرآنی در ارتباطات اجتماعی است. در نظام تربیتی اسلام، آداب اخلاقی از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین ساحت‌های تربیتی به‌شمار می‌رود. پیامبر اکرم (ص)، اخلاق را مهم‌ترین هدف رسالت آسمانی خویش می‌داند. از سوی دیگر، آیات اخلاقی در قرآن کریم بیشتر از آیات احکام است. آراسته بودن به فضائل اخلاقی و پیراسته بودن از رذائل اخلاقی، از اهداف تربیت اخلاقی در اسلام می‌باشد. هدف غایی نظام تربیتی در اسلام، قرب الی الله و خداگونگی است. برخی از مهم‌ترین آداب قرآنی که رعایت آن توسط شهروندان ایرانی منجر به تقویت دیپلماسی شهروندی در جهان و تسخیر قلوب و اذهان خواهد شد، عبارتند از: خوش‌رویی و خوش‌خویی، متانت در کلام، صداقت و راستگویی، حسن ظن داشتن، فروتنی و خضوع، رعایت ادب و احترام متقابل، عدم آزار و اذیت دیگران، امانداری، پرهیز از رفتارهای نادرست مانند استهزاء، افترا و تهمت، استفاده از القاب زشت، اختلاف‌افکنی، بغض و کینه‌ورزی، تجسس، بخل‌ورزی، حسادت، دشنام و فحش دادن، غیبت، عیب‌جویی، ظلم و ستم، با صدای بلند فریاد زدن، تحقیر دیگران، تکبر و تفاخر، گفتار خشونت‌آمیز و ...

۴-۳. آداب دادوستد

بخشی از آموزه‌های اسلام، مربوط به آداب دادوستد و تجارت می‌باشد. اگر افرادی که به دادوستد

در کشورهای دیگر می‌پردازند، آداب اسلامی تجارت را رعایت کنند، بدون تردید در تقویت دیپلماسی شهروندی نقش مهمی ایفا می‌نمایند. رفتار و گفتار درست و دینی تاجران در کشورهای جهان منجر به جذب قلوب و تولید قدرت نرم خواهد شد. نگاهی گذرا به آداب دادوستد نشان می‌دهد که بسیاری از آنها، فراتر از اجرای عدالت می‌باشد و در چارچوب برادری ایمانی و برادری انسانی، مفهوم پیدا می‌کند. برخی از آداب و آموزه‌های اسلامی در حوزه داد و ستد عبارتند از: حُسن نیت در معامله، یادگیری احکام بازرگانی و شناخت حلال و حرام، راستگویی، پرهیز از فریب و غش در معامله، نفی ربا، ثبت پرداختی و دریافتی از طرف معامله، نفی حرص و زراندوزی، نفی کم‌فروشی، نفی گران‌فروشی، دخالت نکردن در دادوستد دیگران، نفی احتکار، خیانت نکردن در امور مالی، وقت‌شناسی، عمل به وعده و وعیدها، نظم و میانه‌روی، خوش‌رویی، برخورد مناسب با طرف معامله و ...

۴-۴. آداب زیارت

یکی دیگر از راهکارهای دیپلماسی شهروندی، رعایت آداب زیارت در کشورهای مسلمان می‌باشد. بدون تردید، عدم رعایت آداب زیارت در کشورهای دیگر، منجر به شکل‌گیری تصورات منفی از فرهنگ کشور تابع خواهد شد. برخی از آداب زیارت در کشورهای مسلمان عبارت است از: پوشیدن لباس تمیز و آراستگی، استعمال بوی خوش، خوش‌خلقی با زائران، خضوع و خشوع، وقار و طمأنینه، ذکر و تسبیح، ادب نسبت به قبور مطهر، پرهیز از کارهای لغو و بیهوده، تلاوت قرآن و عبادت، تکریم خادمان و کمک به فقراء (محدثی، ۱۳۸۶، ص ۵۵).

۴-۵. اخلاق فناوری اطلاعات

در عصر دهکده جهانی با انفجار اطلاعات، رشد تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی، شکل نوینی از دیپلماسی شهروندی با استفاده از رسانه‌ها، وارد عرصه معادلات بین‌المللی شده است. دیپلماسی شهروندی مجازی، تصویرسازی ملی که در نتیجه ارتباط شهروندان کشورهای مختلف در فضای مجازی ایجاد می‌شود را مدنظر قرار می‌دهد (شمس‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶). امروزه بخش عظیمی از فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی شهروندی با استفاده از رسانه‌های نوین به انجام می‌رسد. رسانه‌های نوین، این امکان را برای عده زیادی از شهروندان جوامع گوناگون فراهم نموده که بتوانند با یکدیگر به صورت چهره به چهره به گفت‌وگو و تبادل نظر بپردازند. در جهان امروز، با وجود پیشرفت‌های بزرگ علمی، شناخت و آگاهی متقابل مردم دنیا از افکار و رفتار یکدیگر، در رفع بحران‌های جهانی از تأثیر به‌سزایی برخوردار است و علت اصلی عدم تفاهم بین‌المللی نیز این است

که هنوز ملل دنیا نمی‌توانند درباره زندگی جمعی یکدیگر اطلاعات لازم را کسب کنند و نسبت به هم بی‌اعتمادند. لذا، برقراری ارتباط در چارچوب دیپلماسی شهروندی برای توسعه روابط انسانی، رفع اختلاف‌ها، از بین بردن بی‌اعتمادی‌ها و دشمنی‌ها و ایجاد تفاهم در جوامع گوناگون دنیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (آذری و کیا، ۱۳۹۴). امروزه آشنایی با اخلاق فناوری اطلاعات از ضروری‌ترین بایسته‌های رفتاری در فرهنگ جامعه، به‌ویژه جامعه جهان اسلام می‌باشد. عدم رعایت این امر در جهان امروز، تبعات روحی و روانی بسیاری را ایجاد کرده است. وقتی در یک شبکه اجتماعی مانند اینستاگرام یا توییتر، پیامی را می‌دهیم؛ باید به این نکته توجه کنیم که ما به نمایندگی از ملیت، دین و فرهنگ خود اقدام به ارسال پیام کرده‌ایم. رعایت آداب فناوری اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی از مهم‌ترین مسائلی است که در عصر امپراتوری رسانه، نقش مهمی در تقویت دیپلماسی شهروندی ایفا می‌نماید. امروزه، آبروی افراد تبدیل به یک سرگرمی در فضای مجازی شده است؛ حال آنکه طبق آموزه‌های دینی، حفظ آبروی مؤمن بالاتر از حرمت کعبه می‌باشد.

۴-۶. مهمان‌نوازی (شهروند مهمان و شهروند میزبان)

یکی از قواعد دینی مهم و تأثیرگذار، قاعده «صله رحم» است. این قاعده محبت‌آور، ظرفیت عظیمی برای نزدیک کردن دل‌ها در جهان اسلام فراهم می‌کند. احیای قاعده طلایی «صله رحم» در عصر پست مدرنیسم که دوران سلطه فردگرایی و انسان‌محوری می‌باشد؛ ضرورت می‌یابد. با نگاهی به حکم فقهی صله رحم می‌توان گفت که «صله رحم با خویشاوندان (خویشاوندان نسبی و سببی و رضاعی)، صله و احسان به ذریه پیامبر اسلام (ص)، صله و نکوداشت عالمان وارسته دینی، صله با مؤمنان و صله با دوستان» (ایروانی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۸۱) از انواع صله می‌باشد؛ که در ذیل صله رحم و در قالب آیات و روایات، ارائه شده است. قاعده صله رحم در اسلام، منجر به ایجاد فرهنگ مهمان‌نوازی در میان مسلمانان شده است. یکی از ابعاد دیپلماسی شهروندی، میزبانی از شهروندان کشورهای جهان می‌باشد، که از آن به دیپلماسی شهروندی میزبان یاد می‌کنند. درباره شهروندی مهمان نیز باید خاطرنشان کرد این بخش به عملکرد و رفتار کسانی که به کشورهای جهان سفر می‌کنند، مربوط می‌شود. ایرانیانی که به جهان سفر می‌کنند، به‌عنوان یک «شهروند دیپلمات» بایستی به تقویت روابط انسانی در جهان بپردازند. افرادی که به‌عنوان مهمان به قصد سفرهای تفریحی، زیارتی، تجارتي، ورزشی، تبلیغ، تحصیل، تدریس، درمان و... به کشورهای جهان وارد می‌شوند؛ باید در نظر داشته باشند که نماینده کشور خود هستند و گفتار و رفتار آنها در تصویرسازی از کشورشان تأثیر بسیاری دارد.

۵. نتیجه‌گیری

کشورهای امروزی، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ علاوه‌بر کسب قدرت نظامی، اقتصادی و پیشرفت‌های فناورانه تلاش می‌کنند تا برای پیشبرد اهداف سیاست‌ خارجی خود سرمایه‌گذاری‌هایی در حوزه دیپلماسی عمومی (قدرت نرم) انجام دهند. دیپلماسی عمومی، ابزار قدرت نرم است که دولت‌ها از آن برای بسیج منابع برای ایجاد ارتباط و جذب توده سایر کشورها استفاده می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت تأثیرگذاری دیپلماسی عمومی به شکل‌گیری قدرت نرم می‌انجامد. یکی از راهبردهای دیپلماسی عمومی، «دیپلماسی شهروندی» می‌باشد. دیپلماسی شهروندی مفهومی است که براساس آن، هر شهروند به‌طور فردی حق و مسئولیت دارد که «حتی فقط با یک بار دست دادن» به شکل‌دهی به روابط خارجی کشورش کمک کند. دیپلمات‌های شهروندی، به‌عنوان سفرای غیررسمی در برنامه‌های مبادله در خارج از کشور مشارکت می‌کنند، روابط شخص با شخص را ایجاد کرده و به عبارتی، شبکه‌ای از پیوندهای انسانی ایجاد می‌کنند که بعدها به‌عنوان بستر گفت‌وگو و مذاکرات رسمی عمل می‌کند.

با توجه به اهمیت دیپلماسی عمومی در عصر جدید و اهمیت مضاعف دیپلماسی شهروندی به‌عنوان یکی از راهکارهای دیپلماسی عمومی، این مسأله مطرح می‌شود که چگونه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در حوزه سیاست خارجی از ظرفیت‌های موجود در مبانی دینی، الگویی اسلامی برای تقویت دیپلماسی شهروندی ارائه دهد؟ مدعای پژوهش حاضر این است که، با توجه به تقدم پیشینه دیپلماسی عمومی در جهان اسلام نسبت به جهان غرب (دوران صدر اسلام و حکومت پیامبر اکرم) می‌توان با استخراج ظرفیت‌های دیپلماسی شهروندی از مبانی دین اسلام، الگویی اسلامی برای دیپلماسی شهروندی ارائه داد که عبارتند از: اصول «وحدت، برادری ایمانی، برادری انسانی، صلح و دوستی، انفاق‌های مالی، دعوت، تکریم انسان و تألیف قلوب». در پژوهش حاضر، تلاش شد تا مبانی اسلامی در حوزه دیپلماسی شهروندی برای دستگاه سیاست خارجی ارائه شود؛ اما این امر، پایان راه نیست، بلکه آغاز راه است. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان در عرصه سیاست خارجی برای عملیاتی کردن الگوی اسلامی دیپلماسی شهروندی، از بایسته‌های پژوهش‌های بعدی در این زمینه می‌باشد.

منابع

قرآن کریم.

- آذری، طاهره؛ کیا، علی اصغر (۱۳۹۴)، دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک شهروندان تهرانی در فضای مجازی «مطالعه دانشجویان و دانش آموختگان تهرانی در اینترنت، علوم/اجتماعی، ۲۲(۶۹)».
- اخوان کاظمی، مسعود؛ عزیزی، پروانه (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی و الگوی اسلامی آن. رسانه، ۲۰(۴).
- ارجینی، حسین (۱۳۸۵)، تألیف قلوب در اسلام، معرفت، شماره ۱۰۵.
- ارژنگ، اردوان؛ دهقان سیمکانی، مهدی (۱۳۹۴)، قاعده «وجوب تکریم انسان» در فقه و حقوق اسلامی. مطالعات اسلامی: فقه و اصول، ۴۷(۱۰).
- اسنو، نانسی؛ تیلور، فیلیپ ام. (۱۳۹۰)، مرجع دیپلماسی عمومی. ترجمه روح الله طالبی آرانی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ایروانی، جواد؛ وطن دوست، رضا؛ کمیلی، غلامحسین؛ حق پناه، رضا (۱۳۸۷)، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ج ۱-۲.
- ترابی شهرضایی، علی اکبر (۱۳۹۷)، مبانی وحدت امت اسلامی از منظر فقه حکومتی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی. گفتمان فقه حکومتی، ۲(۲).
- حسینی جبلی، میر صالح (۱۳۹۷)، اقتضائات دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران از طریق ارتباط میان فرهنگی نسبت به مسلمین اندونزی. سیاست متعالیه، ۶(۲۲).
- سرپرست سادات، ابراهیم؛ صالحی حاجی آبادی، ابراهیم (۱۳۹۶)، سازوکار تحقق افق وحدت و اخوت در جهان اسلام و جایگاه آن در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. سیاست متعالیه، ۵(۱۹).
- شمس آبادی، علی (۱۳۹۷)، بررسی مقایسه ای دیپلماسی شهروندی آمریکا و ایران. سیاست، ۵(۱۸).
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶)، الفرقان فی تفسیر القرآن. قم: فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸)، المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طلوعی، محمود (۱۳۸۵)، فرهنگ جامع علوم سیاسی. تهران: نشر علم.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۸)، برادری انسانی. در: همایش برادری انسانی از دیدگاه مکاتب و ادیان. قابل دسترس در: <http://a-alidoost.ir/persian/lecture/22938/>
- غفاری نسب، اسفندیار (۱۳۹۱)، نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری. مطالعات جامعه شناختی شهری، ۲(۲).
- فقیهی مقدس، نفیسه؛ خلجی، علی؛ مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۹۳)، اصول راهبردی صلح در اسلام. سیاست متعالیه، ۲(۴).
- محدثی، جواد (۱۳۸۶)، آداب زیارت. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، قابل دسترس در:

واعظی، محمود (۱۳۸۹). *دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی*. گردآوری افسانه احدی. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی. *روابط خارجی*، ۱(۳).